

پژوهش حاضر با هدف بررسی باورهای والدگری در نمونه‌ای از مادران ایرانی طراحی شده است. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. نمونه‌ها تا رسیدن به حد اشباع به صورت غیر تصادفی هدفمند انتخاب شدند. برای بررسی باورهای والدگری مادران مصاحبه نیم‌ساختاریافته‌ای براساس تکنیک قیف تدوین گردید. نتایج تحلیل کیفی مصاحبه‌ها نشان داد که از دیدگاه مادران ایرانی، اطاعت و حرف‌شنوی، ادب و احترام، استقلال و توانایی دفاع از خود و عاقل و منطقی بودن از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های یک کودک خوب، صبور بودن از جمله مهم‌ترین ویژگی یک مادر خوب، مهربان و باجذب‌بودن مهم‌ترین ویژگی یک پدر خوب و تحصیلات عالی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی ایده‌آل کودک در بزرگسالی، صبوری در برابر کودک به‌عنوان بهترین روش تربیتی، پرخاشگری و خصمانه رفتار کردن با کودک به‌عنوان بزرگ‌ترین اشتباه والد، ادب و احترام به‌عنوان ارزش ایده‌آل برای انتقال به کودک، هدیه خریدن به‌عنوان بهترین روش تشویقی و محروم کردن به‌عنوان بهترین روش تنبیهی شناخته می‌شود. با توجه به تحلیل کیفی مصاحبه بر اساس تکنیک قیف، شش باور زیربنایی‌تر والدگری در نظام باورهای نمونه آماری پژوهش نقش بسته بود: تأییدطلبی و وجهه مثبت اجتماعی، فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی، احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن، برتری‌جویی، انحصارطلبی و ترس از دست دادن و نیز پدر به‌عنوان اسطوره‌ای قدرتمند. که در میان آنها باور احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن، فراگیرتر بود. در جمع‌بندی کلی از مجموع یافته‌ها می‌توان چنین تبیین کرد که باور احساس مسئولیت مادرانه به‌عنوان باور زیربنایی فراگیر، بر لایه‌های سطحی‌تر تجارب مادران از والدگری اثرگذار است.

■ واژگان کلیدی:

باورهای والدگری، مادران ایرانی، پدیدارشناسی

باورهای والدگری در نمونه‌ای از مادران ایرانی

مطالعه‌ای پدیدارشناسانه

دکتر کارینه طهماسبیان

استادیار دانشگاه شهید بهشتی
k_tahmassian@sbu.ac.ir

دکتر نگار داوری

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
n.davari@yahoo.com

حمیده زارع

کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
hamide.zare67@gmail.com

دکتر شهلا پاکدامن

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
shahla.pakdaman@yahoo.com

مقدمه

تمام مراحل رشد در انسان از اهمیت خاصی برخوردار است، اما سال‌های آغازین زندگی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوره است؛ چرا که سریع‌ترین دوره رشدی مغز و سیستم عصبی در این سنین رخ می‌دهد. (رایس، ۱۳۹۲) از سویی دیگر تحقیقات نوروبیولوژیک نشان می‌دهند رشد فیزیکی مغز با تجربه‌های هیجانی اولیه به‌ویژه تعاملات اولیه کودک مرتبط است. چرا که تعاملات در سال‌های اولیه کودکی، اساس رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده را پایه‌گذاری می‌کند. (مانتیمیا، ۲۰۰۶) در میان این روابط و تعاملات کودک در سال‌های اولیه زندگی، تعامل والد - کودک^۲ قوی‌ترین منبع برای سازمان دادن به تجربه کودک است، چرا که مراقبت عاطفی مادر از کودک موقعیتی را فراهم می‌کند که جهان از طریق آن برای کودک به‌نمایش در می‌آید و این‌گونه با دنیای پیرامون خود آشنا می‌شود. (کوچنسکی^۳، ۲۰۰۲) بنابراین رابطه والد - کودک به‌عنوان ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین رابطه، نقش مهمی در شکل‌گیری جهان بیرونی و درونی کودک و دنیای بزرگسالی او دارد. (کلاین و وایت^۴، ۲۰۰۷) به همین دلیل، مطالعه فضای ارتباطی والد - کودک مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان قرار گرفته است. هر چند در ابتدا مطالعات انجام‌شده، نگاه بسته و محدودی به آرایه‌های درونی رابطه والد - کودک داشته‌اند. اما یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد، که کودکان در انزوا رشد نمی‌کنند و والدین نیز در انزوا پدر و مادری نمی‌کنند (برونفن برنر^۵، ۱۹۷۹)، بلکه هر یک متأثر از زمینه‌های متعددی همانند خانواده، همسایگان، مدرسه، طبقه اجتماعی، فرهنگ و باورها و... هستند که در میان این زمینه‌های گوناگون، فرهنگ نقش اصلی و فراگیری بازی می‌کند، به‌گونه‌ای که خانواده به فرهنگ شکل می‌دهد و نیز از آن شکل می‌گیرد. (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۴) تحقیقات بسیاری درباره اینکه چگونه فرهنگ در رابطه والد - کودک نفوذ می‌یابد انجام شده است. (هارکینس و سوپر^۶، ۲۰۰۲: ۷۵-۷۰) برخی از مطالعات انجام‌شده نشان داده است که فرهنگ تأثیر عمیقی بر باورها - ایده‌ها، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، اهداف و نگرش‌ها - و به‌طور کلی نظام نگرشی، تجربه و شناخت والدین دارد.

۱۶۰

1. Mantyama
2. Parent - Child Interaction
3. Kuczynski
4. Kelin & White
5. Bronfenbrenner
6. Harkiness & Super

(روئو و کاسیلاس^۱، ۲۰۱۰) شناخت‌ها سطوح مختلفی دارند که از سطحی‌ترین شناخت (توجه انتخابی) تا عمیق‌ترین آن که باورهای بنیادین و فراگیری است که افراد نسبت به خود، جهان و آینده دارند امتداد یافته است. (بک، ۱۳۹۰)

البته همان‌طور که افراد باورهای محوری در مورد خود، جهان و آینده دارند، باورهایی نیز در مورد ویژگی‌های خانواده دارند، به‌طوری‌که بسیاری از این باورهای بنیادین را از همان بدو تولد توسط منابع اولیه‌ای مانند افراد خانواده، سنت‌های فرهنگی، تجارب حاصل از ارتباط با دیگران و منابع دیگر کسب کرده‌اند. (داتلیو^۲، ۲۰۱۰: ۶۷-۶۱) باور خانواده، جنبه‌های مختلفی دارد که بخشی از آن مربوط به والدگری است، باورهای والدگری را می‌توان مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ایده‌ها و تجارب والدین درباره کودک، ویژگی‌های کودکی، نحوه برقراری ارتباط و رفتار با کودک، روش نگهداری و تربیت کودک و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والد با کودک در نظر گرفت. (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۸۳-۸۲) تحقیقات بین‌فرهنگی بسیاری مبین آن است که این باورها از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت است. (موزیر^۳، ۲۰۰۱) برای مثال نتایج مطالعه‌های بین‌فرهنگی حاکی از آن است که مادران آمریکایی - اروپایی در توصیف یک کودک ایده‌آل ویژگی‌هایی چون جسارت^۴، خلاقیت^۵، استقلال^۶ را ذکر کردند، در مقابل مادران آمریکای لاتین به اهمیت اطاعت^۷ و احترام^۸ به دیگران تأکید کردند در نتیجه مادران اروپایی - آمریکایی در رفتار با کودکان‌شان بیشتر از پیشنهاد دادن^۹ تا دستور دادن^{۱۰} استفاده می‌کردند در مقابل مادران آمریکای لاتین رهنمودی‌تر^{۱۱} رفتار می‌کردند. (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۲۴-۲۲) بنابراین والدین در جوامع مختلف بر مبنای باورهای گوناگون خود که ریشه در فرهنگ‌شان دارد، در چگونگی رفتار با کودکان‌شان و چگونگی تربیت آنها و اینکه کدام‌یک از رفتار آنها را تأیید و کدام‌یک را محدود کنند متفاوت‌اند. (برونستین و کوت، ۲۰۰۶: ۱۷۴)

1. Rowe & Casillas
2. Dattilio
3. Mosier
4. Assertiveness
5. Creativity
6. Independence
7. Obedience
8. Respect
9. Suggestion
10. Commands
11. More Direct

پژوهش در زمینه ارتباط عوامل فرهنگی و والدگری دارای اهمیت است چرا که، فرهنگ‌های مختلف افرادی متفاوت با شخصیت‌های متفاوت را داراست. (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۲۴) بنابراین موضوع با اهمیت این است که والدین ایرانی چگونه هستند، چه ویژگی‌هایی دارند و غالباً چگونه با کودکان خود رفتار می‌کنند و یا چه باور و نظام ارزشی‌ای رفتارهای والدگری آنها را هدایت می‌کند و البته پژوهش‌های کافی برای آگاهی یافتن در این زمینه انجام نشده است، همچنین آنچه در غالب دروس روان‌شناسی و فضای درمانی در زمینه خانواده و کودک در ایران در جریان است، مبتنی بر پژوهش‌ها، نظریه‌هایی است که از جوامع دیگر به‌ویژه فرهنگ غربی وام گرفته شده است چرا که به گفته روئو و کاسیلاس^۱ (۲۰۱۰) اغلب پژوهش‌ها و نظریه‌ها در حوزه خانواده و کودک بر روی والدین و کودکان طبقه متوسط کشورهای غربی پایه‌گذاری شده‌اند و لازم است در میان مردم سایر کشورها نیز بررسی شوند. به‌ویژه مردم ایران که فرهنگ خاص خود را دارند و درمانگران کودک به پژوهش‌ها و منابع بومی به‌عنوان راهنمای درمانی خود نیازمندند. اما مطالعاتی که بر مبنای مقیاس‌های کشورهای غربی توسعه یافته‌اند، ویژگی‌های متفاوتی را که در کشورهای دیگر موجود است در نظر نگرفته‌اند. به‌ویژه با توجه به درآمیختگی کهن ایران به مذهب، والدین و فرزندان ایرانی ویژگی‌ها و هویت‌های متمایزی در مقایسه با آنچه پژوهش‌ها و نظریه‌های غربی منتشر ساخته‌اند دارند. موضوع با اهمیت دیگر این است که درک ویژگی‌های افراد یک جامعه به‌ویژه ویژگی‌های فرهنگی مراجعین می‌تواند درمانگران را برای خدمت‌رسانی بهتر یاری کند. هر چند درمانگر به هر حال، مقداری از سوگیری‌های خود را در کار درمان وارد می‌سازد، اما آنها باید تا حد امکان با نحوه زندگی و فرهنگ مراجعین کودک و بزرگسال خود آشنا شوند تا از این راه بتوانند معنی رفتارهای آنها را درک کنند و مطابق با ارزش‌های آنها عمل کنند. (پروچسکا و نوکراس، ۱۳۸۶: ۵۱۵-۵۱۲) به همین دلیل در این پژوهش قصد بر آن است، باورهای والدگری مادران ایرانی بررسی شود.

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی پدیدارشناسانه^۲ است. تمرکز بر روی تجارب افراد به

1. Rowe & Cassillas.

2. Phenomenological

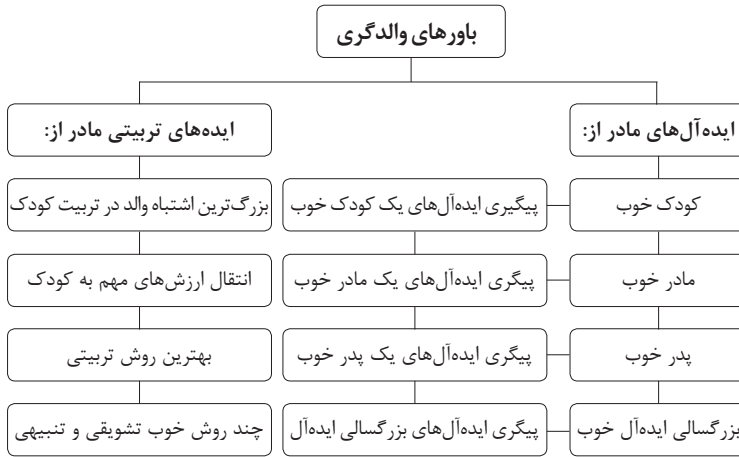
ناچار پژوهشگر را به سمت و سوی تحقیق کیفی سوق می‌دهد. (اسمیت^۱، ۲۰۱۵: ۵۷) پدیدارشناسی یکی از انواع مطالعه کیفی است که هدف آن، کشف معنی یک پدیده از طریق تجزیه و تحلیل توصیفات افرادی است که آن پدیده را تجربه کرده‌اند. به نوعی که پدیدارشناس به کاهش تجارب افراد متعدد در مورد پدیده مورد بررسی برای ایجاد یک توصیف بنیادی از آن پدیده می‌پردازد. (کراسول^۲، ۲۰۰۷: ۵۷) در این پژوهش به منظور بررسی تجارب و باورهای مادران از والدگری از روش پژوهشی کیفی پدیدارشناسی استفاده گردید.

با توجه به هدف مطالعه، شرکت‌کنندگان براساس نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند از بین مادرانی که معیار ورود به این مطالعه را دارا بودند انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل مادرانی است که فرزند اول‌شان بین ۳ تا ۵ سال سن دارند؛ زبان اول‌شان فارسی است و از لحاظ اجتماعی در طبقه متوسط جامعه قرار دارند. مادران به‌طور کلی از طبقه متوسط جامعه انتخاب شدند که ۱۸ نفر خانه‌دار و ۵ نفر شاغل بودند و ۷ نفر کار نیمه‌وقت داشتند. همچنین ۸ نفر از مادران دارای مدرک دیپلم، ۴ نفر دارای مدرک فوق‌دیپلم، ۱۷ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۱ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند و سن مادران بین ۲۷ تا ۴۲ سال بود. داده‌های پژوهش با ۳۰ نمونه آزمودنی به اشباع رسید. در مطالعات کیفی منابع غنی از اطلاعات اهمیت دارد. تعداد نمونه و حجم نمونه در این‌گونه پژوهش‌ها قابل پیش‌بینی نیست. از این‌رو پژوهشگر تا رسیدن به اشباع اطلاعات نمونه‌گیری انجام می‌دهد. (رحیمیان، ۱۳۹۶: ۶)

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختار براساس تکنیک قیف^۳ استفاده شد. در تکنیک قیف، مصاحبه با یک سؤال وسیع و کلی آغاز می‌شود، سپس برای دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر سؤالات اکتشافی پرسیده می‌شود. مصاحبه‌ها تا دستیابی به سؤالات عمیق‌تر ادامه یافت. (اسمیت، ۲۰۱۵: ۶۰)

در ابتدا پس از مطالعه بر روی منابع گوناگون والدگری و مفهوم باور و همچنین باور خانواده به منظور طراحی دقیق مصاحبه، حیطه‌های اصلی و عناوین کلی موضوع تعیین گردید و به صورت نقشه عناوین مصاحبه در نمودار ۱ ترسیم گردید.

1. Smith
2. Creswell
3. Funnel Technique



نمودار ۱: نقشه عناوین اصلی مصاحبه

فرآیند مصاحبه بر این اساس بود که ابتدا، با یک سؤال کلی، به بررسی باورهای مادران پرداخته شد، برای مثال «یک کودک خوب از دیدگاه شما چه کودکی است؟» یا «یک مادر/پدر خوب چه ویژگی‌های دارند؟» سپس برای بررسی زیربنای باورهای والدگری مادران، از سؤالات پیگیرانه استفاده شد. بدین شکل که با پرسیدن سؤالات پی در پی و به‌ویژه با کاربرد کلمه پرسشی «چرا، چطور، به چه علتی» به جست‌وجوی باورهای زیربنایی‌تر والدگری مادران پرداخته شد. پیگیری پاسخ مادر تا جایی ادامه پیدا می‌کرد، که دیگر مادر پاسخی ندهد. نمونه‌ای از مصاحبه براساس تکنیک کیف در نمودار ۲ آمده است:

مصاحبه‌گر: به نظر شما یک کودک خوب چه کودکی است؟

مادر: به کودک خوب، کودک به که حرف گوش کن باشه

مصاحبه‌گر: بین همه ویژگی‌های خوب یک کودک، چرا حرف‌شنوی را ویژگی خوب می‌دانید؟

مادر: ظرفیت به مادر محدوده، وقتی به بچه حرف‌شنوی داشته باشه آرامش مادر هم بیشتره

مصاحبه‌گر: به نظر شما چرا حرف‌شنوی کودک سبب آرامش مادر می‌شود؟

مادر: اگر کودک حرف‌شنو باشه مادر زمان بیشتری داره تا به خود و زندگی‌اش برسه (فردیت‌طلبی و آزادخواهی)

نمودار ۲: نمونه‌ای از مراحل مصاحبه

این تکنیک مشابه روش «پیکان رو به پایین» که در تکنیک‌های شناختی برای شناسایی باورهای زیربنایی یا همان باورهای هسته‌ای به کار می‌برند انجام گرفت. (لی‌هی، ۱۳۸۹: ۴۳)

همچنین به‌منظور افزایش اعتبار درونی مصاحبه، پس از تهیه مصاحبه، سؤالات مصاحبه توسط چند تن از متخصصان در حیطه روان‌شناسی کودک و تربیت مورد ارزیابی قرار گرفت.

پژوهشگر ابتدا به شناسایی مادرانی پرداخت که ویژگی‌های مورد نیاز پژوهش را داشتند. پس از توافق با مادر مبنی بر انجام پژوهش و تکمیل برگه اطلاعات دموگرافیک، برای ورود شرکت‌کننده در پژوهش تصمیم گرفته شد. قبل از اجرای مصاحبه برای هر فرد مصاحبه‌شونده توضیح مختصری درباره پژوهش توسط پژوهشگر ارائه می‌شد. پژوهشگر در حالی به مصاحبه با مادر می‌پرداخت که مصاحبه توسط دستگاه ضبط‌کننده صدا ثبت و ضبط می‌گردید. سپس تمام داده‌های ضبط‌شده برای تحلیل داده‌ها روی کاغذ پیاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۱ استفاده شد. (کراسول، ۲۰۰۷: ۱۵۹) به این ترتیب پس از انجام مصاحبه، ابتدا داده‌های پیاده شده، چندین بار مورد بازخوانی و شنیدن مجدد قرار گرفت تا پژوهشگر به درک عمیقی از گفته‌های مادران برسد. سپس عبارات کدبندی شدند، یعنی جملات مهمی که مربوط به پدیده مورد بررسی بود استخراج شد و در نهایت به‌صورت خوشه‌ها و تم‌هایی از موضوع‌ها دسته‌بندی شدند و سپس به‌صورت مقوله‌هایی درآمدند، به‌طوری که یک توصیف کامل و جامعی از آن به‌دست آمد. ملاحظات اخلاقی که در این پژوهش مورد توجه پژوهشگر قرار گرفت، شامل رعایت اصل رازداری و عدم دسترسی سایرین به داده‌ها بود. متون پیاده‌شده با نام مستعار ذخیره می‌شد، برخورداری از حق عدم پاسخ‌دهی به هر یک از سؤالات مصاحبه نیز یکی از ملاحظات بود و در نهایت پس از اجرا و پیاده‌سازی داده‌های مصاحبه، تمام فایل‌های صوتی پاک گردید.

یافته‌ها

از طریق تجزیه و تحلیل کیفی داده‌های پژوهش، به‌منظور بررسی باورهای والدگری، مقوله‌هایی از تجارب مادران از والدگری استخراج شد که به تفکیک هر سؤال مصاحبه و به ترتیب فراوانی پاسخ‌دهی در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱: مقوله‌های باورهای والدگری مادران ایرانی به تفکیک هر سؤال مصاحبه

<p>مقوله‌های باورهای مادران ایرانی از یک کودک خوب</p> <p>اطاعت و حرف‌شنوی ادب و احترام استقلال و توانایی دفاع از خود عاقل و منطقی بودن آرام بودن هوش بالا داشتن اعتماد نسبت به پدر و مادر</p>
<p>مقوله‌های باور مادران ایرانی از یک مادر خوب</p> <p>صبور و باحوصله بی‌تفاوت نبودن و وقت گذاشتن برای کودک محبت و مهربانی مورد اعتماد برای کودک دوست و رفیق با کودک نصحیت کردن و یاد دادن مسائل به کودک توانایی درک نیازهای کودک</p>
<p>مقوله‌های باورهای مادران ایرانی از یک پدر خوب</p> <p>مهربان و همزمان باجذبه بودن ارزش و احترام قائل شدن برای جایگاه مادر وقت گذاشتن با کودک مهربانی و محبت نسبت به فرزند بی‌تفاوت نبودن نسبت به کودک (خود را مسئول دانستن) رفتار کردن به‌گونه‌ای که بچه‌ها از او نترسند فراهم کردن امکانات مالی و رفاهی برای خانواده صبور و باحوصله حامی خوب و قابل اتکا برای کودک عاقل و منطقی</p>

مقوله‌های باورهای مادران ایرانی از ویژگی‌های ایده‌آل کودک در بزرگسالی

تحصیلات بالا
دینداری و انسان کامل شدن
برخوردار بودن از رفتار مطلوب اجتماعی
رسیدن کودک به آرزوهایش
موفقیت در ازدواج
رسیدن به اوج موفقیت در تحصیل، ورزش و کار
خودمختاری و استقلال
خوش اخلاقی
سالم بودن از لحاظ جسمی و روحی
احترام نسبت به پدر و مادر
رسیدن کودک به آرزوهای مادر

مقوله‌های باورهای مادران ایرانی از بهترین روش تربیتی

صبوری در برابر بی‌طاقتی‌های کودک
الگو بودن برای کودک
صرف وقت برای تربیت کودک
تربیت کودک در قالب دین و مذهب
اعتدال در برآورده کردن خواسته‌های کودک
عدم توجه به کار بد کودک
فراهم کردن احساس امنیت برای کودک
اعتدال در آزاد گذاشتن و وابسته کردن کودک به خود
قاطعیت و اقتدار؛ از طریق عملی کردن وعده‌ها و تهدیدات
صداقت در برابر کودک
توجه به روحیات خاص کودک
برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت کودک و تلاش برای شکوفا شدن استعداد کودک
کمک از منابع اطلاعاتی مثل کتاب برای تربیت کودک

مقوله‌های بزرگ‌ترین اشتباه والدین از دیدگاه مادران

کتک زدن؛ با عصبانیت و پرخاشگری با کودک رفتار کردن
محبت افراطی و گذشتن از خطاهای کودک
هماهنگ نبودن پدر و مادر
وابسته کردن کودک
جایگاه پدر را بی‌ارزش کردن
برآورده کردن همه خواسته‌های کودک
دروغ گفتن
بی‌خیال بودن و سهل‌انگاری در تربیت کودک
بعد از گریه خواسته کودک را برآورده کردن
بی‌تفاوتی به نیازهای کودک
مقایسه کودک با دیگران
مسخره کردن کودک در برابر دیگران

مقوله‌های باورهای مادران درباره مهم‌ترین ارزش برای انتقال به کودک

ادب و احترام با تأکید بر احترام به بزرگ‌ترها
 پایبندی به ارزش‌های دینی و لحاظ کردن خدا در همه چیز
 ارزش‌های اخلاقی (صداقت، نوع‌دوستی و شجاعت)
 خوش اخلاقی
 با محبت بودن نسبت به دیگران
 ارزش‌های سیاسی
 تحصیلات بالا
 بخشش و دست و دل‌بازی
 خانواده دوست بودن

مقوله‌های روش‌های خوب تشویقی از دیدگاه مادران

هدیه خریدن
 تشویق لفظی
 انجام کاری که کودک دوست دارد، مثل پارک بردن
 محبت کردن

مقوله‌های روش‌های خوب تنبیهی از دیدگاه مادران

محروم کردن
 قهر کردن
 تهدید کردن
 کم‌محلی کردن
 تنبیه بدنی
 تنبیه لفظی؛ مثل گفتن دوست ندارم.
 توضیح دادن خطا و اشتباه کودک
 سر کودک داد زدن
 صحبت نکردن با کودک

در این بخش به باورهای زیربنایی تر مادران که با سؤالات پیگیری براساس تکنیک قیف در چهار سؤال اول مصاحبه؛ کودک خوب، مادر خوب، پدر خوب و ویژگی ایده‌آل کودک در بزرگسالی مورد بررسی قرار گرفت پرداخته می‌شود. در جدول ۲ باورهای زیربنایی به تفکیک هر سؤال آورده شده است.

جدول ۲: باورهای زیربنایی تر والدگری در مادران ایرانی

باورهای زیربنایی مادران از یک کودک خوب	باورهای زیربنایی مادران از یک مادر خوب	باورهای زیربنایی مادران از یک پدر خوب	باورهای زیربنایی مادران از بزرگسالی ایده‌آل کودک
تأییدطلبی و وجهه مثبت اجتماعی	احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن	پدر به‌عنوان اسطوره‌ای قدرتمند	احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن
احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن	انحصارطلبی و ترس از دست دادن	انحصارطلبی و ترس از دست دادن	برتری‌جویی
فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی	فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی	-	تأییدطلبی و وجهه مثبت اجتماعی
برتری‌جویی			

در ادامه نمونه‌ای از محتوای مصاحبه مادران که براساس آنها باورهای زیربنایی استخراج شد، ذکر می‌شود.

باور زیربنایی احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن:

- از دیدگاه مادر ایرانی کودک خوب، کودک حرف‌شنو و مطیع است چرا که، اگر در اثر حرف‌نشجوی کودک به خود آسیب بزند، مادر خود را مقصر می‌داند که چرا از او مراقبت نکرده است.

- کودک خوب، کودکی مؤدب است چرا که؛ اگر کودک به‌دلیل بی‌ادبی از طرف دیگران طرد شود، مادر خود را مقصر می‌داند که شاید او نتوانسته کودک خود را خوب تربیت کند.

- کودک خوب، کودک مستقل است چرا که؛ اگر کودک به‌دلیل وابستگی شکست بخورد، مادر خودش را مقصر می‌داند که شاید به‌دلیل رفتارش خود کودک وابسته شده است.

- مادر خوب، مادری صبور و با حوصله است چرا که؛ کودک در آینده خود والدی صبور و موفق خواهد بود و این‌گونه مادر ثمره صبوری خود را می‌بیند.

- مادر خوب، مادری است که برای کودک وقت می‌گذارد چرا که؛ کودک او موفق‌تر است و این‌گونه مادر احساس می‌کند زحمتی که برای کودکش کشیده به ثمر رسیده است.

- مادر خوب، مادری مهربان است چرا که؛ اگر کودک جذب دیگران شود و از طرف آنها آسیب ببیند، مادر خودش را در این آسیب دیدن کودک مقصر می‌داند.

- مادر خوب، مادری مورد اعتماد برای کودک است چرا که؛ اگر کودک به‌علت

بی‌اعتمادی به مادر دور از چشم مادر به خود آسیب بزند، مادر خود را مقصر می‌داند. - مادر خوب، مادری است که با کودک دوست و رفیق باشد چرا که؛ اگر کودک برای رفع مشکلش به فرد دیگری پناه ببرد، به مادر احساس بی‌کفایتی دست می‌دهد. - از دیدگاه مادر ایرانی یکی از ویژگی‌های ایده‌آل کودک در بزرگسالی، داشتن تحصیلات عالی است، چرا که؛ مادر به او افتخار می‌کند، چرا که زحمتی که برای او کشیده به ثمر رسیده.

- از دیدگاه مادر ایرانی بزرگسالی ایده‌آل کودک، دینداری و انسان کامل شدن است چرا که؛ نگرانی مادر نسبت به او کمتر است، زیرا فرد دیندار حتی اگر شکست بخورد، خدا به او آرامش می‌دهد. یا هر مادری دوست دارد فرزندش هم در دنیا و هم در آخرت سعادتمند شود.

- از دیدگاه مادر ایرانی بزرگسالی ایده‌آل کودک، فردی محترم بودن و به دیگران احترام گذاشتن است؛ مادر احساس می‌کند، او را خوب تربیت کرده و حس خوبی نسبت به خودش پیدا می‌کند.

- از دیدگاه مادر ایرانی بزرگسالی ایده‌آل کودک، اوج موفقیت در کار و ورزش است چرا که؛ اگر کودک موفق نشود آن وقت مادر خود را مقصر می‌داند، که شاید به علت کم‌کاری او فرزندش موفق نشده است.

- از دیدگاه مادر ایرانی بزرگسالی ایده‌آل کودک، استقلال و خودمختاری است چرا که؛ اگر کودک آسیب ببیند، پدر و مادر خود را مقصر می‌دانند که شاید رفتار آنها باعث این وابستگی شده است.

باور فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی

- از دیدگاه مادر ایرانی کودک خوب، کودک حرف‌شنو و مطیع است چرا که؛ مادر زمان بیشتری دارد تا به خود و زندگی‌اش برسد. - مادر خوب، مادری صبور و با حوصله است چرا که؛ کودک نیز صبور می‌شود و این ویژگی کودک، سبب آرامش مادر می‌شود.

باور تأیید‌طلبی و وجهه مثبت اجتماعی

- از دیدگاه مادر ایرانی کودک خوب، کودک حرف‌شنو و مطیع است چرا که؛ مادر از اینکه در دیدگاه دیگران کودک خوبی تربیت کرده احساس خوبی نسبت به خود خواهد داشت.

باور اهمیت دیگری و جمع‌گرایی

- از دیدگاه مادر ایرانی کودک خوب، کودکی مؤدب است چرا که؛ مادر از اینکه در دیدگاه دیگران کودکی مؤدب تربیت کرده، احساس خوبی نسبت به خود خواهد داشت.
- کودک خوب، کودکی مؤدب است چرا که: تربیت کودک نشانه فرهنگ خانوادگی یک خانواده است و این برای عزت و افتخار پدر و مادر مهم است.

باور برتری جویی

- از دیدگاه مادر ایرانی کودک خوب، کودک مستقل است چرا که؛ از همسالان خود جلوتر است و هر مادری جلوتر بودن کودک از همسالانش را دوست دارد.
- از دیدگاه مادر ایرانی یکی از ویژگی‌های ایده‌آل کودک در بزرگسالی، داشتن تحصیلات عالی است، چرا که؛ وقتی کودک در بزرگسالی تحصیلات عالی داشته باشد از بقیه جلوتر است.
- از دیدگاه مادر ایرانی، بزرگسالی ایده‌آل برای کودک این است، که فردی محترم باشد و دیگران به او احترام بگذارند و برایش ارزش قائل شوند.
- از دیدگاه مادر ایرانی بزرگسالی ایده‌آل کودک، اوج موفقیت در کار و ورزش است چرا که؛ به‌عنوان یک مادر بهترین‌ها را برای فرزندم خواهانم.

باور انحصارطلبی و ترس از دست دادن

- از دیدگاه مادر ایرانی مادر خوب، مادری صبور و با حوصله است چرا که؛ کودک جذب دیگران نمی‌شود، چرا که دور شدن و از دست دادن کودک حس خوبی برای مادر نیست.
- مادر خوب، مادری است که برای کودک وقت می‌گذارد چرا که؛ کودک جذب دیگران نمی‌شود، چرا که دور شدن و از دست دادن کودک اصلاً حس خوبی برای مادر نیست.
- پدر خوب، پدر با محبت و مهربان است چرا که؛ کودک از محبت هر کسی بی‌نیاز می‌شود و به دیگران جذب نمی‌شود.
- پدر خوب، پدری است که از وجودش در خانه نترسند، چرا که؛ کودک از خانه فراری نیست و در اجتماع لطمه کمتری می‌خورد و در کنار والدین‌شان می‌ماند.
- از دیدگاه مادر ایرانی، بزرگسالی ایده‌آل برای کودک این است، که فردی محترم باشد و دیگران به او احترام بگذارند و برایش ارزش قائل شوند.

باور پدر به عنوان اسطوره‌ای قدرتمند

- پدر خوب، پدری مهربان و قدرتمند است چرا که؛ وقتی مشکلی برای کودک پیش می‌آید هیچ کس جای پدر را برای حل کردن مشکل نمی‌گیرد. یا با محبت پدر، کودک از محبت هر کسی بی‌نیاز می‌شود.

- پدر خوب، پدری است که به جایگاه مادر احترام می‌گذارد چرا که رفتار پدر با مادر به او اعتماد می‌بخشد و اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کند.

- پدر خوب، پدری است که برای کودکش وقت می‌گذارد چرا که؛ با وجود پدر در کنار مادر، کودک به رشد همه‌جانبه می‌رسد. کودک جذب پدر می‌شود و پدر می‌تواند بهترین راهنما برای او باشد.

باور پدر به عنوان الگو و رهبر

- پدر خوب، پدری است که به جایگاه مادر احترام می‌گذارد چرا که؛ اگر پدر به مادر احترام بگذارد بچه‌ها هم به مادر احترام می‌گذارند

- پدر خوب، پدر با محبت و مهربان است چرا که؛ کودک جذب پدر می‌شود و پدر می‌تواند بهترین راهنما برای او باشد.

۱۷۲

بحث

نتایج حاصل از تحلیل و کدگذاری داده‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، برای دستیابی به باورهای والدگری مادران ایرانی نشان داد که مفهوم کودک خوب از دیدگاه مادران ایرانی برابر با اطاعت و حرف‌شنوی و همچنین ادب و احترام، استقلال و توانایی دفاع از خود، عاقل و منطقی بودن، آرام بودن، هوش بالا و داشتن اعتماد نسبت به پدر و مادر است. در پژوهش بین فرهنگی مشابه از نظر مادران ژاپنی مهربانی، همدل بودن، حساسیت، ادب و اجتناب از آزار دیگران به عنوان ویژگی‌های مطلوب یک کودک خوب و از نظر مادران هندی پیوند خویشاوندی^۱، به هم‌وابستگی^۲ و فاداری به خانواده، اطاعت، باورهای مذهبی و پیشرفت تحصیلی و شغلی به عنوان ویژگی‌های مطلوب مورد تأکید قرار دادند. (سلین^۳، ۲۰۱۴) به علاوه در مطالعه‌ای که موسوی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۳۷) بر روی مادران ایرانی انجام دادند، رفتار مطلوب اجتماعی به عنوان ویژگی خوشایند دوران

1. Familia Bond
2. Interdependence
3. Selin

کودکی از دیدگاه مادران ایرانی معرفی شد. بنابراین ادب و احترام و یا رفتار مطلوب اجتماعی در مادران ایرانی همانند مادران ژاپنی مورد اهمیت است. پژوهش‌های مختلف، فرهنگ ژاپنی را فرهنگی جمع‌گرا ارزیابی کرده‌اند (بامیستر^۱، ۱۹۹۹)، بر همین اساس ایده مادران ژاپنی از کودکی مؤدب به‌عنوان کودکی خوب احتمالاً در جمع‌گرایی آنها نهفته است. هر چند جمع‌گرایی در فرهنگ ایرانی وجود دارد، اما در حد متوسط است. (موسوی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۳) ادب و احترام در میان مادران ایرانی به‌اندازه مادران ژاپنی اهمیت نداشت، چرا که ویژگی مهم‌تر و پراهمیت‌تر یک کودک خوب از دیدگاه مادران ایرانی اطاعت و حرف‌شنوی است. اما این حرف‌شنوی و اطاعت چه معنایی برای مادران ایرانی دارد که در میان همه ویژگی‌های خوبی که یک کودک ایده‌آل می‌تواند داشته باشد دارای اهمیت بیشتری است. به‌نظر می‌رسد که این سرسپردگی دلخواه مادران ایرانی ریشه در یک باور زیربنایی‌تر دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

از دیدگاه مادران، صبور و با حوصله بودن و همچنین وقت گذاشتن برای کودک به‌عنوان ویژگی‌های یک مادر خوب نسبت به سایر ویژگی‌ها اهمیت بیشتری داشت. به‌طور کلی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، مادری خوب بودن از خصوصیات زن مطلوب از دیدگاه زنان ایرانی است. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۴: ۸۴) اما والد خوب بودن نیز در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۲۴-۲۲)، مطالعه بین فرهنگی در این رابطه مشاهده نشد تا با مادران ایرانی مقایسه و بررسی شود. صبر و بردباری از جمله ویژگی‌هایی است که از دیرباز در میان ایرانیان مورد ستایش و توجه بوده است. ضمن آنکه در متون اسلامی نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. همان‌طور که خداوند در قرآن کریم بندگان را به صبر و بردباری سفارش نموده^۲، همچنین در روایات فراوان^۳ و حتی ضرب‌المثل‌های ایرانی^۴ درباره ارزش صبر و بردباری عبارات زیادی وجود دارد. به‌ویژه ارزش‌های مذهبی در آمیختگی زیادی با فرهنگ یک جامعه دارند. اما ارزشمندی این صبر در رفتار با کودک از دیدگاه مادران از چه لحاظ و جنبه‌هایی است که علاوه بر آنکه ویژگی یک مادر خوب است، صبوری به‌عنوان بهترین روش تربیتی و پرخاشگری در برابر کودک به‌عنوان بزرگ‌ترین اشتباه والد، از دیدگاه مادران بودند. (زارع، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

1. Baumeister

۲. سوره العصر، آیه ۳: و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر
۳. پیامبر اکرم (ص): صبر، گنجی از گنج‌های بهشت است.
- ۴...گر صبر کنی زغوره حلوا سازی

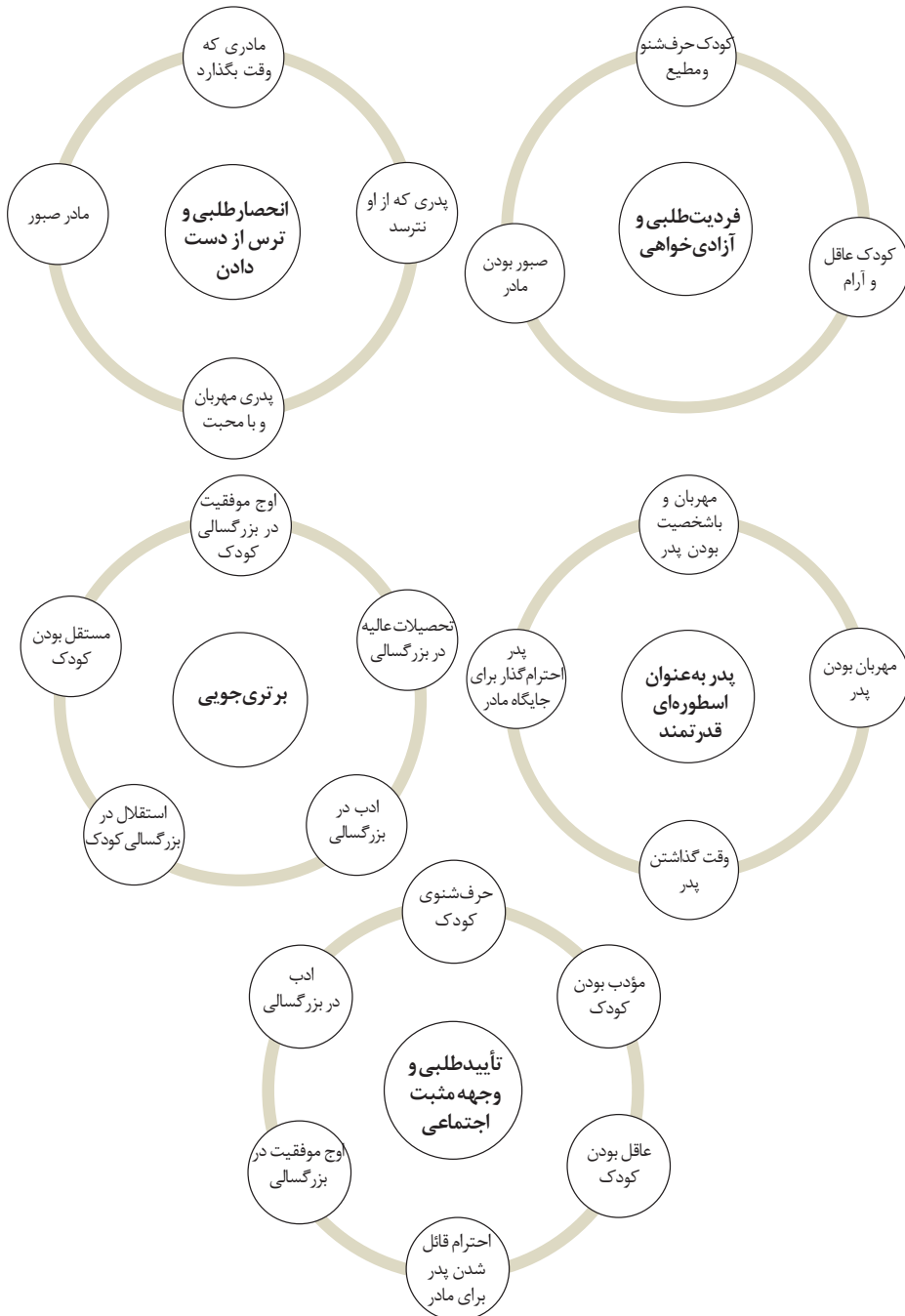
از دیدگاه مادران، پدر خوب پدری مهربان، قدرتمند و با جذبه است، بنابراین مادران ایرانی پدر ایده‌آل را پدری چند بعدی می‌دانند، که مهربانی و جذبیت در وجودش با هم آمیخته باشد. اغلب پژوهشگران و روان‌شناسان در ارتباط با نقش پدر در خانواده و تأثیر مثبت حضور پدر در تحول و رشد فرزندان اتفاق نظر دارند. (گلکاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷)

همچنین از دیدگاه اسلام نیز پدر مسئول حفظ و صیانت خانواده از خطرات جسمی، اخلاقی و معنوی است.^۱ اما از طرفی این پژوهش نشان داد که مادران مدیریت عاطفی خانواده را بر دوش پدر نیز می‌نهند و در کنار اقتدار او محبتش را برای کودک نیز خواستارند. از دیگر ویژگی‌های یک پدر خوب از دیدگاه مادران، احترام قائل شدن برای جایگاه مادر است، که این امر نشان‌دهنده آن است که پدران نیز نقش محوری و پراهمیت در فضای خانواده ایرانی دارند (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۶۷-۵۶۵)، به گونه‌ای که حتی یک مادر احساس می‌کند مشروعیت خود را در بطن خانواده از جانب پدر می‌تواند دریافت کند. اما این جایگاه قدرتمند پدر ریشه در باورهای مادران ایرانی دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. از ویژگی‌های بزرگسالی ایده‌آل کودک، تحصیلات عالی و دینداری بیشترین اهمیت را برای مادران داشت. مشابه این نتایج را موسوی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۴۵) در پژوهش خود یافتند، مبنی بر اینکه پیشرفت تحصیلی از ویژگی‌های خوشایند بزرگسالی کودک برای مادران ایرانی است. بنابراین پیشرفت تحصیلی و برخوردار بودن از تحصیلات عالی باور نیرومندی در میان والدین ایرانی است؛ به طوری که در سطح جامعه نیز مشاهده می‌شود، موضوع تحصیل فرزندان از دغدغه‌های والدین است و هزینه‌های بسیاری برای آن می‌پردازند و امکانات تحصیلی فراوانی در اختیار فرزندان‌شان قرار می‌دهند. به همین منظور در ایران ارزش‌گذاری فرهنگی بسیاری بر این امر واقع شده است. دین‌داری و تکامل نیز از ویژگی‌های پراهمیت بزرگسالی ایده‌آل از دیدگاه مادران است که با توجه به در آمیختگی کهن ایرانیان به مذهب تعجب‌آور نیست، اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا مادران ایرانی تمایل دارند کودکان‌شان در بزرگسالی مجهز به نیروی ایمان باشد تا حدی که پایبندی به ارزش‌های دینی را ارزش دلخواه خود برای انتقال به فرزندان می‌دانند؟ این ارزش برای مادران چه معنایی در بر دارد؟ در این باره همچون موارد قبل باید پوسته بیرونی آن را کنار زد تا معنایی درونی آن را یافت. بر همین اساس پرداختن به باورها، اهداف، نگرش‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های والدین

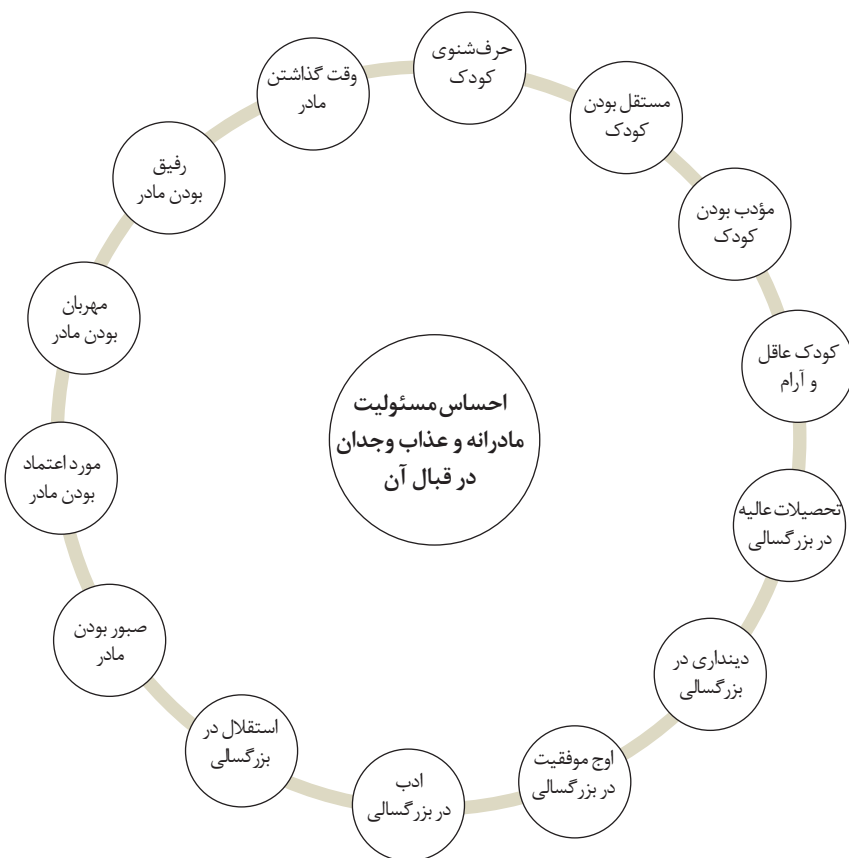
۱. سوره تحریم، آیه ۶

رئو و کاسیلاس، ۲۰۱۰)، بدون در نظر گرفتن زیربنای این باورها بیهوده است. چرا که باورهای افراد در معانی زیربنایی تر و عمیق‌تری نهفته‌اند که بر چگونگی پردازش لایه‌های سطحی‌تر تأثیر می‌گذارند. (جانسون و دنتون^۱، ۲۰۰۲) به همین دلیل تبیین دقیق این باورهای میانی مادران با بررسی باورهای زیربنایی‌تر مادران صورت می‌گیرد.

از تحلیل و بررسی باورهای زیربنایی‌تر والدگری مادران ایرانی و در پیگیری دیدگاه‌ها و باورهای گوناگون مادران در هر چهار مورد؛ کودک خوب، مادر خوب، پدر خوب و همچنین بزرگسالی ایده‌آل کودک، تقریباً باورهای یکسانی به‌دست آمد. برای مثال در پیگیری دیدگاه مادری که معتقد بود کودک خوب، کودکی مستقل است، این باور زیربنایی به‌دست آمد که، «اگر کودک به‌دلیل وابستگی شکست بخورد، مادر خودش را مقصر می‌داند که شاید به‌دلیل رفتار خودش کودک به او وابسته شده است». همچنین در پیگیری دیدگاه مادری که معتقد بود، مادر خوب مادری صبور است، این باور زیربنایی به‌دست آمد که «اگر کودک در اثر بی‌طاقتی‌های مادر، دچار آسیب و شکست شود، مادر خود را مقصر می‌داند». بنابراین در پس هر دوی این باورها چه از کودک مستقل به‌عنوان کودک خوب و چه از مادر صبور به‌عنوان مادر خوب باور زیربنایی مشابهی چون احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن نهفته است. حتی دیده شد در پیگیری دیدگاه‌ها و باورهای گوناگونی که مادران از هر یک از موارد کودک خوب یا مادر خوب و یا پدر خوب و بزرگسالی ایده‌آل داشتند، باورهای زیربنایی یکسانی به‌دست آمده است. برای مثال در پیگیری دیدگاه مادری که کودک خوب را، کودک حرف‌شنو می‌داند و مادری که کودک خوب را کودک عاقل می‌داند، این باور زیربنایی مشابه به‌دست آمد که در صورتی که کودک حرف‌شنو یا عاقل باشد «مادر زمان بیشتری دارد تا به خود و زندگی‌اش برسد» که هر دو فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی مادر را می‌رساند. هر چند مادران با دیدگاه‌ها، نگرش‌ها، ایده‌آل‌ها و یا به‌طور کلی باورهای گوناگون، باورهای زیربنای محدود و یکسانی داشتند، که برای تبیین دقیق‌تر در شکل ۲ این نتایج به‌صورت شکل‌های دایره‌وار نشان داده شده است.



شکل ۱: نمایش ارتباط باورهای والدگری مادران



شکل ۲: نمایش ارتباط باورهای والدگری مادران

بنابراین همان‌طور که نتایج شکل‌های دایره‌ای نشان دادند، در پس‌نگرش‌ها و باورهای مختلف مادران، تنها ۶ مورد باور زیربنای یکسان به‌دست آمد که عبارت‌اند از؛

۱. احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن

۲. تأییدطلبی و وجهه مثبت اجتماعی

۳. فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی

۴. انحصارطلبی و ترس از دست دادن

۵. برتری‌جویی

۶. پدر به‌عنوان اسطوره‌ای قدرتمند

اگر بار دیگر به شکل دایره‌ای ۲ توجه شود، مشخص می‌شود که در میان باورهای زیربنایی که به‌صورت دایره‌وار ترسیم شده، برای مادران ایرانی، باور «احساس مسئولیت

مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن»، برجستگی ویژه‌ای دارد و دایره‌ای عظیم‌تر نسبت به سایر باورها را تشکیل داده است و تجارب بیشتری حول این باور قرار دارد. همان‌طور که گفته شد باورهای عمیق پردازش‌های بعدی، شناخت‌ها و افکار سطحی‌تر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (یانگ و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰) این مهم است که باورهای زیربنایی مادران ایرانی، چه تأثیری بر سایر سطوح شناختی مادران دارد و به‌ویژه باور فراگیر مادران یعنی «احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن» چه نقشی در فضای والدگری چه در سطح نظام نگرشی آنها و چه در سطح رفتارهای فرزندپروری آنها دارد. بر این اساس همان‌طور که در بخش قبلی گفته شد معنا و ریشه باورهای سطحی‌تر والدین در سطح شناختی عمیق‌تری نهفته هستند که در این بخش به‌عنوان باورهای زیربنایی‌تر به آنها پرداخته می‌شود. برای مثال، مادران ایرانی کودک خوب را با بیشترین فراوانی، مطیع و حرف‌شنو معرفی کردند، که این باور غالباً با این باور زیربنایی گره خورده است که «اگر کودکم از آنچه که به صلاحش می‌گویم حرف‌شنوی نداشته باشد و آسیب ببیند در هر صورت من خودم را مسئول آسیب دیدن او می‌دانم»، بنابراین دیدگاه مادران از یک کودک حرف‌شنو به‌عنوان یک کودک خوب، ریشه در این باور زیربنایی «احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن» دارد. در واقع این احساس مسئولیت سبب شده است تا مادران این پژوهش، کودک خوب را کودکی بدانند که از آنچه به صلاحش است پیروی کند تا آسیب نبیند. اما این باور زیربنایی فراگیرتر از آن است که تنها بر دیدگاه مادران از یک کودک خوب تأثیر بگذارد، بلکه بر سایر باورها و تجارب مادران نیز اثرگذار است. برای مثال از دیدگاه مادران «مادر خوب مادری صبور و با حوصله است چرا که اگر کودک در اثر بی‌طاقتی‌های مادر، دچار آسیب شود، مادر خود را مقصر می‌داند». حتی نگرش مادران از دین‌داری و تکامل به‌عنوان بزرگسالی ایده‌آل کودک، نیز از این باور زیربنایی ناشی شده است، برای مثال «اگر کودک در بزرگسالی دیندار باشد، خیال مادر از بابت او از هر جهت در زندگی آسوده است چرا که، هیچگاه از مسیر درست منحرف نمی‌شود». بنابراین مادران ایرانی براساس این باور زیربنایی، خود را مسئول زندگی کودک خود و خوشی‌ها و ناخوشی‌های او می‌دانند، به‌طوری‌که مادری بیان کرد «کودکم انگار بخشی از وجودم هست. وقتی برای او اتفاقی بیفتد، انگار برای من افتاده است، وقتی او رنج بکشد، انگار من رنج می‌کشم». غالباً در مادران ایرانی این احساس مسئولیت تا بزرگسالی کودک حتی تا زمانی که کودک‌شان خانواده تشکیل می‌دهد و ازدواج کند و حتی بعد از آن

نیز وجود دارد. (صادقی، ۱۳۸۹) البته علاوه بر باور زیربنایی «احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن»، باور زیربنایی دیگری که فراگیری بالایی در میان مادران داشت، باور اهمیت دیگری و جمع‌گرایی بود، برای مثال برخی از مادران معتقد بودند «یک کودک خوب، یک کودک مؤدب است چرا که، به‌عنوان یک مادر از اینکه در برابر دیگران کودکی با ادب تربیت کردم احساس خوبی نسبت به خود پیدا خواهم کرد» با توجه به این دیدگاه مادران مشخص می‌شود که تأیید محیط اجتماعی برای مادران این پژوهش اهمیت زیادی دارد. این عامل می‌تواند تا حدی ناشی از جمع‌گرایی آنان باشد و یا نشانه‌ای از نوعی خودپنداشت که مارکوز و کیتایاما (۱۹۹۱) آن را «خود وابسته به هم» می‌نامند. براساس تعریف آنان افرادی که این نوع خود را دارند، به نشانه‌های محیطی حساس بوده و خود را در بافت اجتماعی و در ارتباط با دیگران شناخته و توصیف می‌کنند. علاوه بر باورهای ذکرشده، باورهای زیربنایی دیگری نیز شناخته شد. برای مثال از دیدگاه مادران «یک کودک خوب، کودکی حرف‌شنو است چرا که مادر زمان بیشتری دارد به خود و زندگی اش برسد» و یا «مادر خوب مادری صبور و با حوصله است چرا که کودک نیز آرام می‌شود و این سبب آرامش مادر می‌شود» به‌نوعی این باور مادران می‌تواند به فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی مادران مربوط باشد. چرا که فردگرایی نوعی جهان‌بینی است که فرد در مرکز آن قرار دارد که اهداف فردی، ویژگی‌های منحصر به فرد، فرمان راندن به خویش‌تن، کنترل شخصی و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل پیرامون از خصوصیات این نوع جهان‌بینی است. (پورحسین، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۸)

باور زیربنایی «پدر اسطوره‌ای قدرتمند» باور زیربنایی فراگیر مادران از یک پدر خوب بود. هر چند به‌طور جهان‌شمول، پدر مظهر اقتدار، دانایی و قانون است و نقش مهمی در انسجام خانواده دارد. (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۶۷-۵۶۶) از دیدگاه مادران این پژوهش نیز این نقش برجسته و پر اهمیت است.

همان‌طور که گفته شد در میان همه باورهای والدگری که براساس تکنیک کیف در این پژوهش بررسی شد، باور زیربنایی «احساس مسئولیت و عذاب وجدان در قبال آن» از میان سایر باورها فراگیرتر و برجسته‌تر بود. اما سؤال این است که چه چیز خود این باورهای زیربنایی را شکل می‌دهد؟ داتیلیو معتقد است در واقع باور خانواده به‌طور کلی از همان بدو تولد توسط منابع اولیه و متنوعی مانند افراد خانواده، سنت‌های فرهنگی، تجارب حاصل از ارتباط با دیگران و منابع دیگر شکل گرفته است. به‌ویژه افراد اغلب

این باورها را از طریق مشاهده خواهند آموخت و در یک قالب فرهنگی قوی به فرزندان انتقال داده می‌شود. (داتیلیو، ۲۰۱۰: ۶۷-۶۱) همچنین در یک جمع‌بندی کلی، باورهای زیربنایی به‌عنوان شناخت‌های هسته‌ای، پردازش‌های شناختی سطحی‌تر از جمله باورهای سطحی‌تر را که در این پژوهش بررسی شد تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین سطوح شناختی؛ باورهای زیربنایی و باورها و شناخت‌های سطحی‌تر با یکدیگر در ارتباطند؛ بدین‌گونه باورهای زیربنایی والدین به‌عنوان شناخت‌های هسته‌ای و فراگیر سایر سطوح شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با توجه به یافته‌های پژوهش و پژوهش‌های مشابه آتی تا حدودی می‌تواند به درک علت و چگونگی رفتار والدین در قبال فرزندان‌شان پی برد و یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای درمانگران حوزه کودک در کار با آموزش والدین یاری‌رسان باشد.

از آنجا که شرکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری دردسترس و از یک طبقه متوسط اجتماعی انتخاب شدند، نمونه مورد بررسی نمی‌تواند معرف کل جامعه باشد. به‌نظر می‌رسد قومیت، فرهنگ، باورهای مذهبی، سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی حتی جنسیت والد عوامل مؤثر در باور والد به فرزندپروری می‌باشد و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این عوامل در انتخاب نمونه مدنظر قرار گیرد. به‌ویژه عامل جنسیت که آیا پدران نگرش متفاوتی نسبت به مادران در امر والدگری دارند. همچنین در این پژوهش جای بررسی سایر متغیرهای دیگری چون، نوع دلبستگی مادر و کودک، کیفیت زندگی زناشویی و سلامت روان مادر خالی است که امید است در پژوهش‌های بعدی بررسی شود. همچنین در مطالعات آتی می‌توان این پژوهش را در گروه‌های سنی متفاوت حتی والدین دارای فرزند نوجوان انجام داد.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
 ۲. بک، جودیت اس. (۱۳۹۰). *شناخت‌درمانی و مبانی فراتر از آن*. لادن فتی و فرهاد فرید حسینی. تهران: انتشارات دانژه.
 ۳. پروچسکا، جیمز او و جان. سی. نوکراس. (۱۳۸۶). *نظریه‌های روان‌درمانی*. یحیی سیدمحمدی. تهران: انتشارات رشد.
 ۴. پورحسین، رضا. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی خود*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۵. رحیمیان، شهره؛ عطیه مداح شورجه و زهرا طیبی. (۱۳۹۶). نگاه مادران به پدیده کنار هم خوابیدن والد - کودک: پژوهش کیفی بر مبنای نظریه فرهنگی آشیانه رشدی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال سیزدهم. شماره ۴۹. ۶۶-۷۷.
 ۶. رایس، فیلیپ. (۱۳۹۲). *رشد انسان: روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ*. مهشید فروغان. تهران: انتشارات ارجمند.
 ۷. صادقی، منصوره‌السادات؛ محمدعلی مظاهری و فرشته موتابی. (۱۳۸۹). نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دوجانبه زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال ششم. شماره ۲۳. ۳۳۴-۳۱۳.
 ۸. گلکاری، طاهره؛ مهرداد کلاتری؛ احمد عابدی. (۱۳۹۳). تأثیر مداخله‌های شناختی - رفتاری بر مشکلات عاطفی - رفتاری دختران نوجوان محروم از پدر. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. سال پانزدهم. شماره ۳. ۲۴-۱۶.
 ۹. لی‌هی، رابرت. (۱۳۸۹). *تکنیک‌های شناخت‌درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*. حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.
 ۱۰. موسوی، پریناسادات؛ محمدعلی مظاهری و سعید قنبری. (۱۳۸۹). بررسی ادراک مادران از ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند مربوط به دلبستگی ایمن و نایمن در کودکان: مطالعه فرهنگی درباره ۱۱ دلبستگی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال ششم. شماره ۲۲. ۱۶۰-۱۳۷.
 ۱۲. وزیر، مجید. (۱۳۸۱). نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. شماره ۱۶۴. ۵۸۴-۵۶۵.
 ۱۳. یانگ، جفری؛ ژانت کلسکو و مارجوری ویشار. (۱۳۸۹). *طرحواره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*. حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.
14. Baumeister, R. (1999). *The Self in Social Psychology*. Case Western University.
 15. Bornstein, M. H. & L. R. Cote. (2006). *Acculturation and Parent-Child Relationship: Measurement and Development*. London: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
 16. Bronfenbrenner, U. (1979). *The Ecology of Human Development*. Usa: Harvard University Press.
 17. Creswell, J. W. (2007). *Qualitative Inquiry Research Design: Choosing Among 5 Ap-*

- proaches*. California: Sage Publication.
18. Dattilio, F. M. (2010). *Cognitive Behavioral Therapy With Couples and Families: a Comprehensive Guide for Clinicians*. New York: the Guilford Press.
19. Harkness, S. & C. M. Super. (2002). *Culture and Parenting: In. M. H. Bornstein (Ed). Handbook of Parenting: Vol. 2. Biology and Ecology of Parentin*. Mahwah, Nj: Erlbaum.
20. Selin, H. (2014). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in Non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
21. Smith, J. A. (2015). *Qualitative Psychology: A Practical Guide to Research Methods*. California: Sage Publications Ltd.
22. Kelin, D. M. & J. M. White. (2007). *Family Theories*. www.Amazon.com
23. Kuczynski, L. (2002). *Handbook of Dynamics in Parent-Child Relationship*. London: International Educational Profession Publisher.
24. Rubin, K. H. & O. B. Chung. (2006). *Parenting Beliefs, Behaviors, and Parent- Child Relations*. U.S.A, Nj: Psychology Press.
25. Rowe, M. L. & A. Casillas. (2010). *Parental Goals and Talk With Toddlers*. University of Maryland, College Park, University of Chicago.
26. Markus, H. R. & S. Kitayama. (1991). Culture and Self: Implications for Cognitions, Emotion and Motivation. *Psychological Review*. No. 38. 299-337.
27. Mosier, J. M. (2001). *Parenting Styles: Across-Cultural Perspective. School of Social Work*. University of Pittsburgh.
28. Mantymaa. M. (2006). *Early Mother-Infant Interaction. Md Thesis*. Medical School. Temer.

تاریخ دریافت: ۱۷/۱۰/۹۸

مفاهیم معنویت و توسعه معنوی از هر دو دیدگاه مذهبی و سکولار مورد مذاقه پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. آنچه در این میان از اهمیت ویژه برخوردار است، نوع نگاه انسان به مقوله معنویت است و اینکه معنویت در چه کنش و رفتاری نمود پیدا می‌کند. جوانان در جوامع قرن ۲۱ به شدت از طرف نهادهای دینی و همچنین در برخی از موارد، از طرف حکومت‌ها و ساختارهای سیاسی مبتنی بر دین، رصد می‌شوند تا معلوم شود که معنویت در زندگی آنان تا چه اندازه رسوخ کرده و چه نوع معنویتی و با چه تعریفی مد نظر آنهاست. پژوهش کنونی به دنبال مطالعه پدیدارنگارانه تجربیات و دیدگاه‌های دانشجویان از مفهوم معنویت (چیستی و چگونگی، امکان آموزش‌پذیری آن و همچنین ابعاد رفتاری یک فرد معنوی) است. میدان پژوهش، دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان است و مشارکت‌کنندگان ۱۰ نفر از دانشجویان‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و مبتنی بر ملاک انتخاب شدند. ابزار پژوهش نیز مصاحبه نیمه ساختارمند و عمیق است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند. براساس نتایج، داده‌ها در چهار طبقه توصیفی ابعاد معنویت، آموزش‌پذیری معنویت، عوامل تأثیرگذار بر آموزش معنویت و همچنین ویژگی‌های افراد معنوی دسته‌بندی شده‌اند. براساس انگاره‌ها و تجارب دانشجویان، آمیخته بودن با انسانیت، هم‌مسیری با عقل و منطق، فطری بودن و فرامادی بودن از جمله ابعاد معنویت است. همچنین خانواده، فرد، سیستم آموزشی و گروه دوستان نقش زیادی در شکل دادن به ابعاد معنویت در نزد افراد دارد.

■ واژگان کلیدی:

معنویت؛ پدیدارنگاری، تجربیات معنوی، دانشجوی، ابعاد معنویت

پدیدارنگاری مفهوم و تجربه

معنویت

مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان

جناب آقای دکتر سلیمی

با سلام و احترام

لطفاً اشکالات مشخص شده در متن مقاله

رفع گردد:

۱. اشکالات محتوایی وارد شده توسط

سردبندی در صفحات ۴۱۲ و ۴۱۴

۲. منابع درون متنی و پایان متنی از جهت

مطابقت کامل با هم، به صورت دقیق کنترل

شود

جمال سلیمی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان

j_salimi2003@yahoo.com

سامان مکی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کردستان

saman.makii7@gmail.com

مریم مرادیان

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کردستان

maryamoradi65@gmail.com